

فرهنگ سیاسی دموکراتیک و طبقه متوسط جدید

(مورد پژوهش: اساتید دانشگاه‌ها و دبیران مقطع متوسطه شهر همدان)

غدیر بهمنی طراز^{۱*}

ابوالفضل دلاوری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۰۹

چکیده

مقاله حاضر حاصل پژوهشی است درباره میزان گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک در میان اقشاری از طبقه متوسط جدید ایران با تأکید بر تأثیرات شاخصه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی. در این تحقیق از الگوی ترکیبی مارک تسلر و اینگلهارت برای مطالعه و شاخص‌یابی فرهنگ دموکراتیک استفاده شده است. روش مورد استفاده در این مطالعه پیمایش بوده است و جامعه آماری آن شامل اساتید دانشگاه‌های شهر همدان و دبیران مقطع متوسطه این شهر با جامعه آماری ۲۵۰۰ نفر با حجم نمونه ۳۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. نتایج حاصله حاکی است ۳۸ درصد از پاسخگویان دارای فرهنگ سیاسی دموکراتیک می‌باشند. ۳۰/۶ درصد از فرهنگ سیاسی نوع بی‌تفاوت برخوردارند. ۲۱/۲ درصد دارای فرهنگ سیاسی محدود بوده و ۹/۴ درصد از فرهنگ سیاسی عملگرا برخوردارند. متغیر گرایش به ارزش‌های فرامادی مهم‌ترین متغیر تبیین‌کننده فرهنگ دموکراتیک بوده و پس از آن تحصیلات و میزان استفاده از رسانه‌ها از جمله شاخص‌های دیگر توسعه است که در گرایش افراد به این نوع از فرهنگ سیاسی موثر و دارای رابطه معنادار با متغیر وابسته است.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ سیاسی دموکراتیک، طبقه متوسط جدید، توسعه، دموکراسی.

۱- دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (* نویسنده مسئول)

۲- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

۱. مقدمه و بیان مسئله

در سال‌های اخیر از میان پیش‌نیازهای مهم گذار به دموکراسی، فرهنگ سیاسی به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم برجستگی ویژه‌ای یافته است (Putnam, 2002: 3). در این دوره بحث‌ها و نظریاتی که پیرامون فرهنگ سیاسی شکل گرفته عمدتاً تحت تأثیر رهیافت مدرنیسم و یا نوسازی بوده و در ذیل آن مطرح می‌گردیده است (Vanhanen, 2003). سیمور مارتین لیپست یکی از نخستین نظریه‌پردازانی است که در اواخر دهه پنجاه در توضیح و تبیین رابطه علی بین دموکراسی و مدرنیسم به مفهوم عقاید و ارزش‌های عمومی توسل جسته معتقد است که مدرنیسم عقاید عمومی را به شیوه‌ای تغییر می‌دهد که باعث می‌گردد مردم از اصول دموکراتیک نظیر تکثرگرایی سیاسی و کنترل عمومی بر قدرت حمایت کنند (Lipset, 1959). لیپست معتقد بود دموکراسی به فرهنگی حمایت‌کننده نیاز دارد پذیرش آزادی بیان، آزادی مطبوعات و آزادی‌های دینی پیش‌شرط‌های تحقق دموکراسی است که در نتیجه تحولات ناشی از مدرنیسم فراهم می‌شود (لیپست، ۱۹۹۴: ۳ و پاتنام، ۱۳۷۷). باوم و لک نیز معتقدند بین توسعه فرصت‌های آموزشی و تقویت فرهنگ دموکراتیک ارتباط قوی وجود دارد (چن، ۲۰۰۳، به نقل از عباسی، ۱۳۹۳).

ساموئل هانتینگتون نیز استدلال می‌کند که افزایش تمایلات عمومی برای آزادی، مکانیسم واسطی را ایجاد می‌کند که از طریق آن مدرنیسم به رشد جنبش‌های دموکراسی خواهی در کشورها در دهه‌های اخیر منتهی می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۸۹). در این میان طبقه متوسط جدید طبقه‌ای است که نقش آن در جنبش‌های مذکور مورد تأکید قرار گرفته و از آن به‌عنوان موتور محرکه تحولات دموکراتیک یاد شده که برای ارزش‌های دموکراسی اهمیت بالایی قائل است (فوکویاما، ۲۰۱۲ و هانتینگتون، ۱۳۷۳).

طرح مبحث نظری فوق به این دلیل صورت می‌گیرد که می‌توان در آن مبنایی را برای طرح مسأله و بیان موضوع تحقیق جستجو کرد.

همان‌طور که می‌دانیم ایران یک جامعه در حال گذار به مدرنیته است و یکی از طولانی‌ترین دوره‌های گذار را بین کشورهای جهان تجربه کرده است. دوره‌ای یک‌صد ساله که طی آن تجدد یا مدرنیته بخش‌هایی از جامعه را تحت تأثیر قرار داده و ساختار و نظام قشربندی خاص خود را شکل داده است به‌گونه‌ای که طبقه متوسط جدید ایران تا حدود زیادی توجیه علمی و تجربی پیدا کرده است. سؤالی که در این تحقیق مطرح است این است که این طبقه خاص در ایران که خود محصول جریان مدرنیسم بوده و بیشترین تأثیرپذیری را از آن داشته است

تا چه حد به ارزش‌ها و فرهنگ دموکراتیک گرایش دارد؟ به بیان دیگر آیا آن چنان که در ادبیات نظری مطرح شده می‌توان اعضای این طبقه را افرادی با نگرش‌های دموکراتیک دانست؟ به همین دلیل جامعه آماری خود را به اقشاری مانند اساتید دانشگاه و دبیران مقاطع متوسطه آموزش و پرورش اختصاص داده است اقشاری که می‌توان آنها را نماینده‌های طبقه متوسط جدید در ایران دانست اقشاری که مرجعیت و نفوذ فکری آن در بین سایر اقشار به آن اهمیت مضاعف می‌بخشد.

در مرحله بعد، تحقیق به دنبال این است که «تأثیر برخی از شاخصه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی (مدرنیسم) را در گرایش به فرهنگ دموکراتیک بسنجد» و از این طریق به بررسی این مسأله بپردازد که آیا آن چنانکه نظریه پردازان مرتبط با رویکرد توسعه اقتصادی اجتماعی معتقدند تأثیر عوامل مذکور در گرایش افراد به فرهنگ دموکراتیک در بین جامعه آماری مورد نظر تأثیرگذار است یا خیر؟

۲. بررسی ادبیات تحقیق

یکی از برجسته‌ترین کارهایی که تاکنون در زمینه فرهنگ سیاسی انجام شده است اثر گابریل آلموند و سیدنی وربا تحت عنوان فرهنگ مدنی است. این مطالعه به روش کمی و با استفاده از یک نمونه ۵۰۰۰ نفری صورت گرفته جوامع مورد مطالعه عبارت‌اند از ۵ کشور آمریکا، انگلستان، آلمان، مکزیک و ایتالیا (چیلکوت، ۱۳۹۱).

این دو محقق با توجه به نوع جهت‌گیری‌های افراد به سوی نظام سیاسی به تقسیم‌بندی فرهنگ سیاسی آنها پرداخته و ویژگی‌های خاص آنها را مشخص نموده‌اند. آنها نشان داده‌اند که در انگلستان و آمریکا بین جهت‌گیری‌های مشارکتی و تابعیت، تعادل برقرار است (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۶). در میان ایتالیایی‌ها بیگانگی گسترده‌ای به چشم می‌خورد. در مکزیک، شهروندان غالباً از نهادها و خط‌مشی‌های دولت بیگانه هستند ولی به علت نماد احساس انقلاب مکزیک وفاداری به نظام وجود دارد. آلمانی‌ها بیشتر مایل به تبعیت از خارجی‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت بودند (Almond & Verba, 1963).

محقق دیگری که تحقیقات دامنه‌داری را در این حوزه انجام داده است رونالد اینگلهارت است وی از دهه هفتاد تاکنون پیمایش‌های متعددی را در ابعاد جهانی در مرکز پیمایش ارزش‌های جهانی (WVS) انجام داده است. مسأله اصلی او مانند آلموند و وربا پایداری دموکراسی است وی تحقق دموکراسی پایدار و تحکیم یافته را در تحولات کلان ارزشی و

فرهنگی جوامع جستجو می‌کند. وی تحت تأثیر مکتب مدرنیسم، این تحولات ارزشی و فرهنگی را نیز متأثر از سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی جامعه می‌داند. به بیان دیگر توسعه فرهنگ مدنی، متغیر واسطی است که بین توسعه اقتصادی و دموکراسی پایدار قرار می‌گیرد. در تئوری او شاخص‌هایی مانند رضایت از زندگی، رضایت سیاسی، اعتماد به یکدیگر، میزان بالای بحث سیاسی و حمایت از نظم اجتماعی موجود نشانگان نگرش مثبت به جهان پیرامون هستند که به نظر می‌رسد با بقای نهادهای دموکراتیک رابطه دارند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۴). لاری دایاموند با بررسی داده‌های مطالعات مختلف انجام شده در کشورهای نظیر نیجریه، تایلند، پرو، اسپانیا، پرتغال، یونان، بریتانیا، فرانسه، آلمان، هند، اوروگوئه، کاستاریکا، ایتالیا، روسیه و کشورهای اروپای شرقی بین الگوهای جامعه‌پذیری، یادگیری سیاسی، آموزش (تحصیلات) و عوامل اقتصادی - اجتماعی در سطح خرد و کلان با اعتماد به دیگران، اعتماد به نظام سیاسی، احساس کارایی سیاسی فرد، ارزیابی عملکرد نظام سیاسی، باور به مشروعیت دموکراتیک و حمایت از دموکراسی رابطه مستقیمی به دست آورده است (Diamond and Larry, 1994).

از بین تحقیقاتی که در ایران انجام گرفته پژوهش‌چندانی با موضوع ویژه فرهنگ سیاسی دموکراتیک انجام نگرفته است یکی از موارد قابل ذکر، تحقیق آر. دی. گاستیل با عنوان «ویژگی‌های عمده فرهنگ سیاسی و نظام ارزشی در بین طبقه متوسط ایران» است. بر اساس نتایج این پژوهش، فرهنگ سیاسی ایران زمینه مساعدی برای مشارکت و رقابت سیاسی ایجاد نمی‌کند. در این پژوهش نشان داده شده است که ایرانیان معتقدند که آدمیان طبعاً شرور و قدرت‌طلب‌اند. همه چیز در حال دگرگونی و غیرقابل اعتماد است، آدم باید نسبت به اطرافیانش بدبین و بی‌اعتماد باشد حکومت دشمن مردم است و... (به نقل از بشیریه، ۱۳۷۶).

ماروین زونیس قبل از انقلاب در ایران تحقیقی به نام نخبگان سیاسی ایران انجام داده است وی در مطالعه خود سعی کرده برخی از پارامترهای فرهنگ سیاسی نخبگان آن دوره را بررسی کند متغیرهای محوری وی عبارت‌اند از بدبینی سیاسی، بی‌اعتمادی در روابط شخصی، احساس عدم امنیت و سوءاستفاده بین افراد (Zonis, 1971).

مطالعه محمود سریع القلم تحت عنوان مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی ایران پژوهش دیگری است که با روش تاریخی تطبیقی انجام گرفته است. دو مفهوم فرهنگ عشیره‌ای و فرهنگ سیاسی عقلانی، مجموعه بحث محقق را سازماندهی می‌کند. مصادیق و دوره‌های مورد بررسی دوره‌های قاجاریه، پهلوی اول و پهلوی دوم است. وی سعی کرده پایه‌های فرهنگ

سیاسی مسلط در ایران را از فرهنگ سیاسی عشیره‌ای استنتاج کند (سریع القلم، ۱۳۷۷). تحقیقات دیگری توسط بوستانی (۱۳۷۹) بیات تبریزی (۱۳۸۱) و گلچین (۱۳۷۸) در این مورد انجام شده است. هدف اصلی این پژوهش این است که سعی می‌کند به شیوه‌ای تجربی و با بهره‌گیری از یک گونه‌شناسی تلفیقی از مفهوم فرهنگ سیاسی، میزان گرایش به فرهنگ دموکراتیک را در بین اقشاری که یکی از پیشروترین اقشار فکری و فرهنگی جامعه محسوب می‌شوند بررسی کند.

۳. مباحث نظری

نظریه‌پردازانی مانند لیپست، هانتینگتون، دانیل لرنر و رابرت دال از رویکرد نوسازی سعی کرده‌اند که به تشریح رابطه بین مدرنیسم و دموکراسی بپردازند اما در این بین محققانی که به شیوه‌ای جامع‌تر به بسط تئوریک رابطه بین نوسازی و فرهنگ سیاسی پرداخته و با انجام پژوهش‌ها و پیمایش‌های متعدد در سطح جهانی داده‌های مفصلی را برای اثبات و یا اصلاح تئوری فوق فراهم آورده است رونالد اینگلهارت جامعه‌شناس و اندیشمند سیاسی دانشگاه میشیگان است که به همراه تیم تحقیقاتی و همکاران خود از دهه هفتاد میلادی پیمایش‌های متعددی را در ابعاد قاره‌ای و جهانی و به مرکزیت مرکز پیمایش‌های جهانی (WVS) انجام داده و در این مدت به مدد داده‌های وسیع تئوری تحول فرهنگی خود را تحت عنوان تئوری توسعه انسانی بسط داده است. تئوری توسعه انسانی دلالت‌هایی گسترده‌تر از بحث فرهنگ سیاسی داشته و موضوع فرهنگ سیاسی دموکراتیک و گرایش به ارزش‌های مرتبط با آن بعدی از ابعاد تئوری تحول فرهنگی را تشکیل می‌دهد.

اینگلهارت و همکاران وی در تحقیقات گسترده خود ایده‌ها و تحلیل‌های تئوریک سایر نظریه‌پردازان حوزه مدرنیسم را بسط داده و برای تحلیل‌های نظری آنها داده‌های تجربی کافی فراهم آورده است به گونه‌ای که اکثر ایده‌ها و نظریه‌های مطرح در این حوزه در نظام فکری گسترده‌تر اینگلهارت لحاظ شده و از طرح تئوریک آن قابل استنتاج است.

مدل‌های اولیه نظریه مدرنیسم نوسازی بسیار ساده بودند اما در نظریه بازنگری شده اینگلهارت، تغییر اجتماعی خطی نیست. مرحله اول نوسازی با صنعتی‌شدن جوامع، عقلانیت، سکولاریسم و بروکراسی همراه است. در مرحله فرا صنعتی، نوسازی به‌طور فزاینده تقاضای شدید توده‌ها را برای دموکراسی (گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک) به وجود می‌آورد. اینگلهارت در بررسی‌های جامع خود درباره نقش توسعه اقتصادی در تحول فرهنگی جوامع

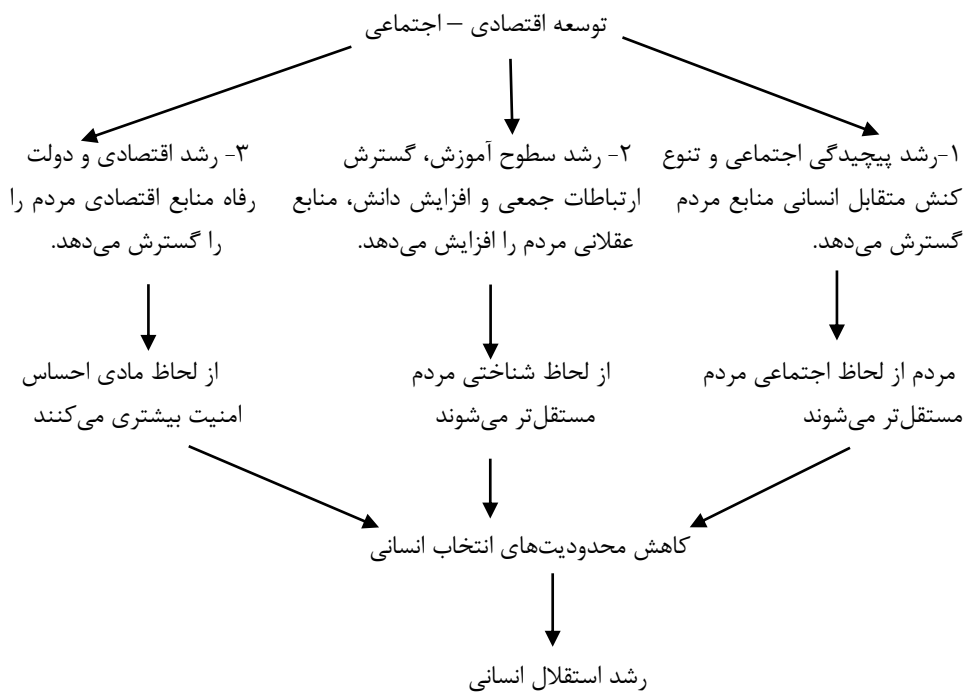
دیدگاه خود را به این شکل بسط داد که یک دسته تغییرات در سطح سیستم جامعه (در اینجا توسعه اقتصادی) منجر به تغییراتی در سطوح خرد (مهارت‌ها و ارزش‌ها) شده که این تغییرات در سطوح فردی به نوبه خود دارای پیامدهایی در سطح سیستم می‌باشد.

تغییرات در سطح سیستم ← تغییر در متغیرهای سطوح خرد ← تغییرات در سطح سیستم توسعه و تغییر اقتصادی ← تغییر ارزش‌ها و فرهنگ سیاسی ← دگرگونی در سطح سیاسی اینگلهارت با انجام پیمایش‌های طولی متعدد در اکثر جوامعی که تجربه دموکراسی داشته‌اند ثابت می‌کند که نوسازی اجتماعی - اقتصادی به تغییر فرهنگی منجر می‌شود تغییری که در جهت افزایش تأکید بر ارزش‌های ابراز وجود و دموکراتیک شدن رخ می‌دهد. وی این تغییرات را در قالب فرایند زیربنایی واحدی به نام (توسعه انسانی) مشاهده می‌کند و موضوع این فرایند را گسترش انتخاب انسانی می‌داند.

دگرگونی تأکید فرهنگی از نظم جمعی به آزادی فردی، از یکپارچگی به تنوع انسانی و از دولت اقتدارگرا به استقلال فردی موجب رشد حالتی می‌شود که آن را ارزش‌های ابراز وجود می‌نامیم. این ارزش‌ها تأکید در حال رشدی بر آزادی‌های مدنی و سیاسی به همراه می‌آورند که می‌توان آن را تحت عنوان ارزش‌های فرامادی نام‌گذاری کرد این ارزش‌ها نیز تمایل فزاینده‌ای را در جهت گرایش به ارزش‌های دموکراسی منجر می‌شود. (اینگلهارت، ۱۳۸۹) به نظر اینگلهارت و همکارانش، نوسازی در حال تکامل به سوی ارزش‌های فرامادی‌گرا و فرایندهای توسعه انسانی است. بنا بر نظر او ارزش‌های فرامادی‌گرایانه احساس امنیت ذهنی فرد را منعکس می‌کند. احساس امنیت فرد تحت تأثیر زمینه‌های فرهنگی و رفاه اجتماعی نهادهایی است که او در آن بزرگ‌شده و رشد کرده است. بنا بر تعبیر او فرامادیون کسانی هستند که در دوران شکل‌گیری شخصیت‌شان دارای امنیت سازنده بوده‌اند یعنی از امنیت اقتصادی و جانی برخوردار بوده‌اند. این افراد کسانی هستند که اولویت ارزشی‌شان فرامادی‌گرایانه است چرا که آنها امنیت سازنده (مادی و جانی) را مسلم فرض کرده‌اند بنابراین یک دسته نیازهای جدید برای آنها مطرح می‌شود. نیازهایی چون خود شکوفایی، عشق و دلبستگی که نیازهای سطح بالا هستند. گرایش به ارزش‌های دموکراتیک نیز در شمار چنین نیازهایی قرار می‌گیرد. از نظر اینگلهارت فرامادیون کسانی هستند که اصولاً به انتخاب‌های انسانی اهمیت بسیار زیادی می‌دهند و از آن جایی که دموکراسی مبتنی بر انتخاب‌های آزاد در حوزه سیاست است گرایش به ارزش‌ها و فرهنگ سیاسی دموکراتیک از ابعاد اصلی

فرامادی‌گرایی خواهد بود. به نظر اینگلههارت حرکت به سوی توسعه انسانی و در کنار آن فرهنگ سیاسی دموکراتیک (به‌عنوان یکی از وجوه توسعه) طی مراحل زیر رخ می‌دهد:

۱. نوسازی اجتماعی - اقتصادی با افزایش منابع مادی، شناختی و اجتماعی افراد، محدودیت‌های خارجی را بر انتخاب انسانی کاهش می‌دهد.
۲. کاهش محدودیت‌ها بر انتخاب انسانی موجب رشد تأکید بر ارزش‌های ابراز وجود می‌شود.
۳. تأکید بر ارزش‌های ابراز وجود به رشد تقاضاها برای آزادی‌های مدنی و سیاسی منتهی می‌شود.
۴. رشد موضوعات اخیر به استقرار و حمایت از مناسب‌ترین نهادها برای به حداکثر رساندن انتخاب‌های انسانی (دموکراسی) کمک می‌نماید (اینگلههارت، ۱۳۸۹: ۵۱).



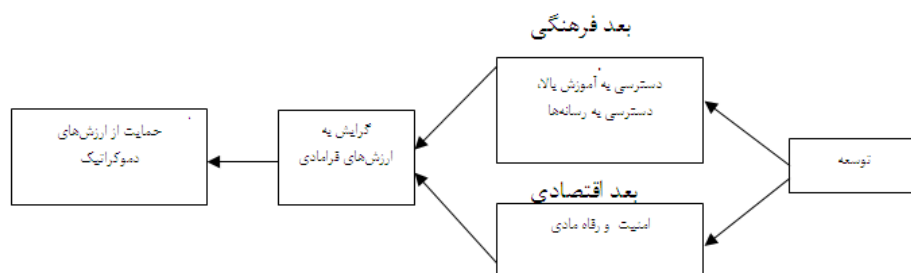
اینگلههارت در مقاله‌ای بنام رنسانس فرهنگ سیاسی بر اهمیت فرهنگ سیاسی مدنی در تداوم نهادهای دموکراتیک تأکید کرده این نهادها را نتیجه فرهنگ توده‌ای دموکراتیک می‌داند (Inglehart, 1988) وی پارامترهایی چون حس اعتماد سیاسی، گرایش به ارزش‌های فرامادی، میزان نسبتاً بالایی از امنیت را در توسعه فرهنگ سیاسی افراد مهم می‌داند.

از نظر او دموکراسی مبتنی است بر توانمندسازی انسانی در جامعه. این توانمندسازی در دو بعد صورت می‌گیرد:

۱. بعد فرهنگی که مردم را برای خواست دموکراسی ترغیب می‌کند. همچنان که مردم به سطوح بالای آموزش، مهارت‌های تفکر و شبکه‌های ارتباطی دست پیدا می‌کنند تأکید توده مردم بر ارزش‌های رهایی‌بخش افزایش می‌یابد. (از نظر اینگلهارت گرایش به ارزش‌های رهایی‌بخش معادل گرایش به ارزش‌های مقوم دموکراسی یا همان فرهنگ سیاسی دموکراتیک است).

۲. بعد اقتصادی که به افزایش احساس امنیت مادی در افراد کمک کرده، آنها را در اعمال تقاضای مؤثر برای دموکراسی توانمند می‌سازد (Inglehart, 2009) و نتیجه تحولات در این دو بعد، به تقویت خود ارجاعی (رجوع به نظریات شخصی و مستقل در انتخاب‌های انسانی) و گرایش به ارزش‌های فرامادی می‌انجامد.

محتوای نظریه اینگلهارت را درباره تأثیرات توسعه انسانی بر گسترش ارزش‌های دموکراتیک (فرهنگ سیاسی دموکراتیک) به شکل زیر می‌توان خلاصه کرد.



۴. فرضیات تحقیق

با توجه به این که تحقیق حاضر به دنبال بررسی میزان تأثیر متغیرها و شاخصه‌های مدرنیزاسیون در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی دموکراتیک می‌باشد فرضیات آن نیز بر اساس نظریات مرتبط با این رهیافت بخصوص نظریات رونالد اینگلهارت تنظیم یافته است.

فرضیه (۱): بین موقعیت شغلی افراد و میزان گرایش به فرهنگ دموکراتیک رابطه معنادار برقرار است.

فرضیه (۲): بین میزان تحصیلات و گرایش به فرهنگ دموکراتیک رابطه معنادار برقرار است.

فرضیه (۳): بین میزان احساس امنیت و گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک رابطه معنادار برقرار است.

فرضیه (۴): بین میزان گرایش به ارزش‌های فرامادی و گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک رابطه معنادار برقرار است.

فرضیه (۵): بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی (رفاه اقتصادی) افراد و میزان گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک رابطه معنادار برقرار است.

فرضیه (۶): بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و گرایش به فرهنگ دموکراتیک رابطه معنادار برقرار است.

۵. روش تحقیق

در این مطالعه روش پیمایش به‌عنوان روش اصلی تحقیق انتخاب گردید.

۵-۱. جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری در این تحقیق اساتید دانشگاه‌های شهر همدان (دانشگاه‌های بوعلی‌سینا، علوم پزشکی، دانشگاه آزاد واحد همدان، دانشگاه پیام‌نور و دانشگاه فرهنگیان) و نیز دبیران مقطع متوسطه این شهر را شامل می‌شوند که در این تحقیق جمعیت مذکور به‌عنوان اقشار فرهنگی طبقه متوسط جدید در نظر گرفته شده است. حجم نمونه در این تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری کوکران ۳۳۰ نفر محاسبه گردید.

در این تحقیق از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده گردید که در آن سعی می‌شود نمونه انتخاب‌شده با نسبت موجود در جامعه آماری مطابقت داشته باشد و با آن متناسب باشد. (ساعی، ۱۳۸۱ و سرمدی، حجازی، ۱۳۸۹) طبق اطلاعات حاصله تعداد کل جامعه آماری بالغ بر ۲۵۱۳ نفر می‌باشد که از این تعداد حدود ۱۰۱۳ نفر را اساتید دانشگاه‌های شهر همدان و ۱۵۰۰ نفر را دبیران دبیرستان و مقاطع متوسطه این شهر تشکیل می‌دهد.

۵-۲. عملیاتی کردن و روایی و اعتبار

اعتبار: برای دستیابی به ابزاری معتبر پس از آماده‌سازی پرسشنامه از روش اعتبار محتوایی استفاده گردید به این مضمون که پرسشنامه به چند تن از اساتید ارائه گردید و نظرات ایشان نیز در اصلاح و ارتقای کیفیت سؤالات و گویه‌ها اعمال شد.

روایی: در این پژوهش ابتدا نمونه‌ای ۵۰ نفری از اعضای جامعه آماری انتخاب شد و پرسشنامه مقدماتی بین آنها توزیع گردید. پس از جمع‌آوری داده‌ها، ضریب روایی یا قابلیت

اعتماد بر روی پرسش‌های مذکور محاسبه گردید. نتایج محاسبه ضریب روایی برای هر کدام از متغیرها در جداول ذیل ارائه شده است.

در مرحله تعریف اسمی و مفهومی، فرهنگ سیاسی دموکراتیک از طریق ابعاد و مؤلفه‌هایی نظیر مدارای سیاسی، حمایت از آزادی، مشارکت سیاسی، علاقه سیاسی و گرایش به حکومت دموکراتیک تعریف گردید. در این مرحله جهت عملیاتی کردن مفهوم برای هر کدام از ابعاد مذکور گویه‌ها و سنجه‌هایی در نظر گرفته می‌شود تا از این طریق بتوان به وضعیتی مشاهده‌پذیر و قابل‌سنجش دست یافت (دواس، ۱۳۸۴) این گویه‌ها در ارتباط با هر یک از ابعاد فرهنگ دموکراتیک در جدول زیر فهرست شده‌اند.

جدول ۱: معرفی‌ها و گویه‌های فرهنگ سیاسی دموکراتیک

متغیر	ابعاد	آلفای کرونباخ	معرف‌ها
فرهنگ سیاسی دموکراتیک	مدارای سیاسی حداقل نمره: ۴ حداکثر نمره: ۲۰	۰/۷۱	موافقت با داشتن شهروندانی از اقلیت‌های مذهبی در مقام سیاسی موافقت با برگزاری میتینگ‌های سیاسی احزاب سیاسی مخالف مخالفت با تعطیلی روزنامه‌های مخالف عقاید سیاسی فرد موافقت با فعالیت سیاسی احزابی که نظرات متضادی با نظر فرد پاسخگو دارند.
	حمایت از آزادی حداقل نمره: ۵ حداکثر نمره: ۲۵	۰/۷۳	تضمین آزادی عقیده برای افراد از گرایش‌های فکری گوناگون آزادی داشتن روزنامه و رسانه برای گرایش‌های سیاسی گوناگون آزادی ایجاد تشکیلات سازمانی برای گروه‌های سیاسی مختلف مخالفت با سانسور و ممیزی مطبوعات (در جهت حمایت از آزادی بیان) آزادی تجمعات سیاسی مختلف
	مشارکت مدنی - سیاسی حداقل نمره: ۵ حداکثر نمره: ۲۵	۰/۷۱	عضویت در حزب و انجمن‌های سیاسی عضویت و مشارکت در سازمان‌های مدنی کاندیداتوری برای نقش‌های سیاسی یا میزان تمایل به آن مشارکت در جلسات پرسش و پاسخ نقد کاندیداها فعالیت در روزنامه‌ها و مطبوعات سیاسی
	دانش سیاسی حداقل نمره: ۴ حداکثر نمره: ۲۰	۰/۶۹	نام سخنگوی هیات دولت فعلی را بدانند. یکی از مناصب قبلی رئیس‌جمهور کنونی را نام ببرند. نام یکی از نایب‌رئیسان مجلس را بدانند. به این سؤال که «سند چشم‌انداز بیست‌ساله افق تحولات ایران را تا چه سالی پیش‌بینی می‌کند» پاسخ دهند.
	علاقه سیاسی حداقل نمره: ۳ حداکثر نمره: ۱۵	۰/۷۷	میزان اهمیت سیاست در زندگی فرد میزان شرکت در بحث‌های سیاسی میزان ترجیح برنامه‌های سیاسی تلویزیون نسبت به سایر برنامه‌ها
	حمایت از حکومت دموکراتیک حداقل نمره: ۴ حداکثر نمره: ۲۰	۰/۷۷	مخالفت با داشتن رهبر قدرتمند مخالفت با داشتن حکومت‌نظامی موافقت با داشتن رژیم سیاسی دموکراتیک اهمیت و مطلوبیت دموکراسی برای فرد

روند عملیاتی سازی برای هر کدام از متغیرهای مستقل با استفاده از مؤلفه‌ها و گویه‌های مناسب انجام گردید و محاسبه ضریب روایی به ترتیب فوق برای هر کدام انجام گردید. برای اندازه‌گیری متغیر گرایش به فرامادی‌گرایی از پرسشنامه اینگلههارت استفاده شد البته برای تطبیق آن با زمینه بومی تحقیق اندکی تغییرات در آن اعمال گردید. جدول زیر حاوی سؤالات و مقدار آلفای محاسبه‌شده می‌باشد که مقدار قابل قبول ۰/۸۱ را نشان می‌دهد. این متغیر نیز در قالب طیف لیکرت سنجیده شد که حداقل نمره قابل محاسبه برای پاسخگو ۵ (گرایش ضعیف به فرامادی‌گرایی) و حداکثر نمره ۲۵ (گرایش قوی به فرامادی‌گرایی) می‌باشد.

جدول ۲: معرف‌های گرایش به فرامادی‌گرایی

متغیر	مقدار آلفای کرونباخ	معرف‌های ارزش‌های فرامادی‌گرا
ارزش‌های فرامادی‌گرایانه حداقل نمره: ۵ حداکثر نمره: ۲۵	۰/۸۱	الویت پیشرفت به‌سوی جامعه‌ای که در آن ایده‌ها بیشتر از پول اهمیت دارد
		اولویت مشارکت مردمی در حاکمیت
		اولویت آزادی بیان
		اولویت تجمعات مدنی
		اولویت حفظ محیط‌زیست

جدول زیر روند عملیاتی‌سازی را برای سایر متغیرهای مستقل، شامل ابعاد و تعداد گویه‌های هر کدام به همراه مقدار ضریب آلفای محاسبه شده نشان می‌دهد.

جدول ۳: ابعاد سایر متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل	ابعاد	تعداد گویه	مقدار آلفای کرونباخ
احساس امنیت حداقل نمره: ۱۴ حداکثر نمره: ۷۰	۱- امنیت جانی ۲- امنیت اقتصادی ۳- امنیت سیاسی	۱۴	۰/۸۴
پایگاه اقتصادی اجتماعی حداقل نمره: ۷ حداکثر نمره: ۳۵	۱- بعد عینی ۲- بعد ذهنی	۷	۰/۷۲
میزان استفاده از رسانه حداقل نمره: ۴ حداکثر نمره: ۲۰	۱- رسانه مکتوب (مطبوعات) ۲- رسانه صوتی تصویری داخلی ۳- رسانه صوتی تصویری خارجی ۴- اینترنت و رسانه‌های مجازی	۴	۰/۶۸

۳-۵. روش‌های تجزیه و تحلیل

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفت. جهت آزمون فرضیه‌ها از جداول تقاطعی و آماره‌هایی مانند کای اسکور، χ^2 کرامر و گاما استفاده گردید.

۶. یافته‌های تحقیق، نتایج توصیفی

۶-۱. فرهنگ سیاسی دموکراتیک

جدول ذیل نمایانگر وضعیت پاسخگویان از نظر میزان گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک (متغیر وابسته تحقیق) است. بر حسب داده‌های به‌دست‌آمده میانگین گرایش به بعد نظری و هنجاری دموکراسی در حد ۳/۴۴ از حداکثر نمره ۵ ارزیابی شده که نشان‌دهنده گرایش بالاتر از متوسط نسبت به این جنبه از فرهنگ دموکراتیک می‌باشد. از بین شاخص‌های مختلف این بعد شاخص حمایت از آزادی با میانگین ۳/۹ بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است که بیانگر این است که پاسخگویان به این جنبه از بعد نظری و هنجارین دموکراسی گرایشی در حد زیاد (نمره ۴ از ۵) از خود نشان داده‌اند. در مقایسه با بعد هنجاری و نظری مقدار گرایش به بعد عملی و رفتاری دموکراسی پایین‌تر ارزیابی شده است. میانگین ۳/۰۴ بیانگر آن است که پاسخگویان به بعد عملی و رفتاری دموکراسی تمایل متوسطی دارند که از این بین شاخص مشارکت سیاسی با میانگین ۲/۵۴ کمترین مقدار در بین تمامی جنبه‌های فرهنگ دموکراتیک داراست. در مجموع میزان کل گرایش پاسخگویان به فرهنگ سیاسی دموکراتیک که از تجمیع و ترکیب داده‌ها درباره دو بعد نظری و عملی دموکراسی به‌دست‌آمده با میانگین ۳/۲۲ کمی بالاتر از متوسط ارزیابی شده است.

جدول ۴: درصد پاسخگویان بر حسب فرهنگ سیاسی دموکراتیک

انحراف معیار	میانگین از ۵	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	شاخص‌ها		
۱/۰۸	۳/۱۸	۱۶/۴	۱۷/۰	۳۸/۸	۲۴/۲	۲/۶	مدارای سیاسی	بعد نظری و هنجاری	ابعاد فرهنگ سیاسی دموکراتیک
۰/۸۷	۳/۹	۲۹/۷	۳۲/۴	۳۴/۸	۳/۰	۰	حمایت از آزادی		
۱/۰۰	۲۴/۲	۱۵/۸	۱۷/۹	۴۳/۳	۲۲/۱	۰/۹	مطلوبیت حکومت دموکراسی		
۱/۵	۳/۰۹	۲۴/۲	۱۹/۴	۲۳/۶	۶/۴	۲۶/۴	دانش سیاسی		
۰/۷۷	۳/۴۴	۱۱/۵	۲۷/۰	۵۵/۸	۵/۸	۰	مجموع	بعد عملی و رفتاری	
۱/۱۳	۳/۰۸	۹/۷	۲۸/۲	۳۴/۸	۱۵/۵	۱۱/۸	علاقه سیاسی		
۱/۱۸	۲/۵۴	۶/۷	۱۵/۵	۲۵/۲	۳۰/۹	۲۱/۸	مشارکت سیاسی		
۱/۰۶	۳/۰۴	۷/۳	۲۸/۲	۳۴/۲	۲۱/۸	۸/۵	مجموع		
۰/۷۹	۳/۲۲	۷/۶	۲۲/۱	۵۵/۲	۱۵/۲	۰	مجموع کل گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک		

در مجموع نتایج به‌دست‌آمده برحسب مدل در جدول ذیل ارائه شده است در این مدل که از مدل مارک تسلا (۲۰۰۹ و ۲۰۰۲) الگو برداری شده متغیر وابسته از دو بعد اصلی «گرایش

به جنبه‌های نظری و هنجارین دموکراسی» و «گرایش به جنبه‌های عملی و درگیرانه دموکراسی» فرهنگ سیاسی دموکراتیک را مورد بررسی قرار می‌دهد. بر اساس این مدل گرایش کلی به فرهنگ سیاسی دموکراتیک در بین جامعه آماری هدف تنها کمی بیش از حد متوسط می‌باشد. از این بین ۳۸/۸ درصد از افراد مورد مطالعه در قالب سنخ فرهنگ سیاسی دموکراتیک ارزیابی شدند. ۳۰/۶ درصد از افراد از فرهنگ سیاسی سنخ بی تفاوت برخوردار بودند. ۲۱/۲ درصد دارای فرهنگ سیاسی نوع محدود بودند و ۹/۴ درصد در قالب فرهنگ سیاسی سنخ عملگرا طبقه‌بندی شدند.

جدول ۵: توزیع پاسخگویان در گونه‌های چهارگانه فرهنگ سیاسی

بعد هنجاری: (تکثرگرایی) (مدارای سیاسی، دانش سیاسی، حمایت از آزادی، مطلوبیت نظام دموکراتیک)				
جمع	ضعیف	قوی		
۱۵۹ ٪۴۸/۲	عملگرا فراوانی: ۳۱ درصد: ۹/۴	دموکراتیک فراوانی: ۱۲۸ درصد: ۳۸/۸	قوی	بعد عملی: (علاقه سیاسی، مشارکت سیاسی)
۱۷۱ ٪۵۱/۸	محدود فراوانی: ۷۰ درصد: ۲۱/۲	بی تفاوت فراوانی: ۱۰۱ درصد: ۳۰/۶	ضعیف	
۳۳۰	٪۳۰/۱۰۱۶	٪۶۹/۴۲۲۹		جمع

جدول زیر توزیع پاسخگویان را بر حسب متغیرهای مستقل نشان می‌دهد. این جدول وضعیت متغیرهای مذکور را در یک مقیاس پنج رتبه‌ای به نمایش گذاشته است. با توجه به داده‌های جدول مذکور (شامل ستون‌های مربوط به درصد فراوانی و مقادیر میانگین)، وضعیت پاسخگویان در مجموعه متغیرها در حد متوسط و پایین‌تر قابل ارزیابی است. از بین متغیرهای مستقل، بیشترین مقدار برای متغیر گرایش به ارزش‌های فرامادی ثبت گردیده است میانگین ۲/۸۱ از حداکثر نمره ۵ حاکی از آن است که پاسخگویان تمایلی نزدیک به متوسط را نسبت به ارزش‌های فرامادی از خود نشان داده‌اند. متغیر احساس امنیت نیز وضعیتی مشابه دارد در مورد این متغیر نیز میانگین ۲/۷۲ حاکی از وجود احساس امنیت نزدیک به متوسط در نزد پاسخگویان است.

وضعیت پاسخگویان در مورد دو متغیر استفاده از رسانه‌ها و پایگاه اقتصادی- اجتماعی به ترتیب با میانگین‌های ۲/۵۵ و ۲/۴۹ مشابه یکدیگر است مقدار مذکور نشان می‌دهد که

میزان استفاده پاسخگویان از رسانه‌ها در حدی بین متوسط (۳) و پایین (۲) قرار دارد و پایگاه اقتصادی اجتماعی ایشان نیز در مجموع و به‌طور میانگین در همین حد قابل ارزیابی است. انحراف معیار مربوط به این متغیر نیز نشان‌دهنده این است که پراکندگی پاسخگویان از نظر موقعیت اقتصادی - اجتماعی زیاد است که این را می‌توان از حضور همزمان دو قشر متفاوت (اساتید دانشگاه و دبیران دبیرستان) در نمونه نهایی دانست.

جدول ۶: نتایج توصیفی تحقیق درباره متغیرهای مستقل

انحراف از معیار	میانگین از ۵	خیلی پایین (۱)	پایین (۲)	متوسط (۳)	بالا (۴)	خیلی بالا (۵)	
۰/۸۳	۲/۷۲	۷/۳	۳۰	۴۷/۶	۱۳/۹	۱/۲	احساس امنیت
۱/۱۸	۲/۵۵	۲۴/۵	۲۳/۹	۲۸/۸	۱۷/۹	۴/۸	استفاده از رسانه
۱/۵۹	۲/۴۹	۴۲/۶	۱۴/۵	۱۰/۳	۱۳/۱	۱۹/۴	پایگاه اقتصادی اجتماعی
۱/۲۳	۲/۸۱	۱۵/۲	۲۸/۸	۲۹/۷	۱۲/۷	۱۳/۶	گرایش به ارزش‌های فرامادی

تحلیل دو متغیری

فرضیه (۱): بین موقعیت شغلی (اساتید دانشگاه و دبیران دبیرستان) و میزان گرایش به فرهنگ دموکراتیک تفاوت معنادار وجود دارد. جدول تقاطعی زیر رابطه بین موقعیت شغلی و متغیر وابسته را نشان می‌دهد. مقدار کی دو محاسبه شده (۴۳/۰۰) با توجه به سطح معناداری $(p = ۰/۰۰۰)$ فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر را تأیید می‌کند. مقدار ضریب V کرامر نیز مقدار پیوستگی بین دو متغیر را در حد ۰/۳۶ برآورد می‌کند. در تفسیر نتیجه مذکور باید گفت با افزایش موقعیت شغلی پاسخگویان از دبیری آموزش و پرورش به تدریس در دانشگاه گرایش به ارزش‌های دموکراسی نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۷: رابطه بین موقعیت شغلی و فرهنگ سیاسی دموکراتیک

		گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک				جمع
		کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
موقعیت شغلی	دبیران	۳۹	۱۰۶	۴۱	۱۴	۲۰۰
	اساتید دانشگاه	۴	۴۷	۵۵	۲۴	۱۳۰
جمع		۴۳	۱۵۳	۹۶	۳۸	۳۳۰
کی دو: $p = (0/000) < 0/4305/000$ V کرامر: $0/361$ من ویتنی: $7863/5$						

فرضیه (۲): بین سطح تحصیلات و میزان گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک رابطه معنادار وجود دارد. جدول زیر مقادیر متغیرهای فوق را در طرحی متقاطع نشان می‌دهد. مقدار گامای محاسبه‌شده (۰/۴۹۱) با توجه به سطح معناداری ($P = 0/000$) نشان‌دهنده آن است که بین متغیر تحصیلات و میزان گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک پیوستگی متوسطی حاکم است.

جدول ۸: رابطه بین سطح تحصیلات و فرهنگ سیاسی دموکراتیک

		گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک					جمع
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
سطح تحصیلات	کارشناسی	۱۰	۲۲	۷۹	۲۷	۷	۱۴۵
	کارشناسی ارشد	۲	۷	۴۲	۳۲	۱۱	۹۴
	دکتری	۰	۲	۳۲	۳۷	۲۰	۹۱
جمع		۱۲	۳۱	۱۵۳	۹۶	۳۸	۳۳۰
گاما: $p = (0/000) < 0/10/491$							

فرضیه (۳): بین میزان احساس امنیت و گرایش به فرهنگ دموکراتیک رابطه معنادار برقرار است. جدول زیر مقادیر هر یک از متغیرهای فوق را نشان می‌دهد. ضریب گامای محاسبه‌شده برای این رابطه، مقداری در حدود ۰/۰۴ را نشان می‌دهد که با توجه به سطح معناداری ($P = 0/61$) به هیچ‌وجه نمی‌توان فرض H_1 را مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر را پذیرفت.

جدول ۹: رابطه بین احساس امنیت و فرهنگ سیاسی دموکراتیک

		گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک					جمع
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
احساس امنیت	خیلی پایین	۳	۵	۱۰	۴	۲	۲۴
	پایین	۴	۶	۴۰	۳۳	۱۶	۹۹
	متوسط	۴	۱۲	۸۱	۴۷	۱۳	۱۵۷
	بالا	۳	۲	۲۲	۱۲	۷	۴۶
	خیلی بالا	۲	۲	۰	۰	۰	۴
جمع		۱۶	۲۷	۱۵۳	۹۶	۳۸	۳۳۰

گاما: $0.001040 > p = (0.61)$

فرضیه (۴): بین میزان گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک و میزان گرایش به ارزش‌های فرامادی رابطه معنادار برقرار است. جدول متقاطع زیر رابطه بین دو متغیر را برحسب رتبه‌های هر کدام نشان می‌دهد. ضریب گامای محاسبه شده مقدار قابل توجه 0.76 را نشان می‌دهد که با توجه به سطح معناداری ($P = 0.000$) حاکی از رابطه‌ای معنادار و نسبتاً قوی بین دو متغیر است. به این معنا که گرایش به ارزش‌های دموکراتیک تا حد زیادی به گرایش افراد به ارزش‌های فرامادی پیوستگی دارد.

جدول ۱۰: رابطه بین فرامادی گرایی و فرهنگ سیاسی دموکراتیک

		گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک					جمع
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
گرایش به ارزش‌های فرامادی	خیلی پایین	۲۵	۱۰	۵	۰	۰	۴۰
	پایین	۱۵	۱۶	۳۳	۱۷	۴	۸۵
	متوسط	۲	۸	۶۸	۴۵	۴	۱۲۷
	بالا	۰	۴	۸	۱۷	۴	۳۳
	خیلی بالا	۰	۳	۲	۱۰	۳۰	۴۵
جمع		۴۲	۴۱	۱۱۶	۸۹	۴۲	۳۳۰

گاما: $0.001076 < p = (0.000)$

فرضیه (۵): بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک رابطه معنادار وجود دارد. جدول زیر داده‌های حاصله درباره دو متغیر را در یک طرح تقاطعی نشان می‌دهد. مقدار ضریب گاما برای این متغیر در حدود 0.309 محاسبه شده است که با توجه به سطح معناداری ($P \text{ value} = 0.000$) فرض H_1 درباره وجود رابطه بین دو متغیر تأیید می‌شود.

به این معنی که با افزایش موقعیت اقتصادی اجتماعی افراد می‌توان انتظار گرایش بیشتر به گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی را نیز داشت.

جدول ۱۱: رابطه بین پایگاه اقتصادی و فرهنگ سیاسی دموکراتیک

		گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک				جمع
		کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
پایگاه اقتصادی اجتماعی	بالا	۲۴	۷۳	۳۴	۱۳	۱۴۴
	متوسط بالا	۹	۲۷	۱۰	۲	۴۸
	متوسط	۷	۱۷	۸	۲	۳۴
	متوسط پایین	۱	۱۴	۲۰	۵	۴۰
	پایین	۲	۲۲	۲۴	۱۶	۶۴
جمع		۴۳	۱۵۳	۹۶	۳۸	۳۳۰
گاما: $p = (0/000) < 0/001/309$						

فرضیه (۶): بین میزان استفاده از رسانه‌ها و گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک رابطه معنادار وجود دارد. جدول زیر مقادیر دو متغیر فوق را در طرحی متقاطع نشان می‌دهد. آماره گاما میزانی در حدود $0/366$ می‌باشد که با توجه سطح معناداری ($P = 0/000$) رابطه بین دو متغیر رابطه‌ای معنادار ارزیابی می‌شود.

جدول ۱۲: رابطه بین استفاده از رسانه‌ها و فرهنگ سیاسی دموکراتیک

		گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک				جمع
		کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
استفاده از رسانه‌های جمعی	خیلی کم	۱۶	۴۰	۲۳	۲	۸۱
	کم	۱۳	۴۱	۲۳	۲	۷۹
	متوسط	۶	۶۰	۲۰	۹	۹۵
	زیاد	۸	۸	۲۶	۱۷	۵۹
	خیلی زیاد	۰	۴	۴	۸	۱۶
جمع		۴۳	۱۵۳	۹۶	۳۸	۳۳۰
گاما: $p = (0/000) < 0/001/366$						

آماره چند متغیری

جدول زیر رگرسیون گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک را بر اساس متغیرهای مستقل تحقیق نشان می‌دهد. یافته‌های جدول حاکی از آن است که متغیر گرایش به ارزش‌های فرامادی مهم‌ترین تبیین‌کننده متغیر وابسته در این پژوهش می‌باشد.

جدول ۱۳: گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک بر اساس متغیرهای مستقل

معناداری	نسبت T	Beta	
۰/۰۴۰	۱/۳۲۵		constant
۰/۰۰۰	۱۹/۸۰۸	۰/۶۶۱	گرایش به ارزش‌های فرامادی
۰/۰۰۰	۴/۴۰۲	۰/۱۵۲	تحصیلات
۰/۰۰۰	۵/۹۳۰	۰/۱۹۶	جنسیت
۰/۰۰۰	۳/۳۲۵	۰/۱۱۶	استفاده از رسانه‌ها
R: ۰/۸۲۸ ضریب همبستگی چندگانه R ² : ۰/۶۸۵ ضریب تعیین			

هم‌چنان که در جدول فوق دیده می‌شود مجموعه متغیرهای گرایش به ارزش‌های فرامادی، تحصیلات، جنسیت و استفاده از رسانه‌ها حدوداً ۰/۶۸ از واریانس کل گرایش به فرهنگ دموکراتیک را تبیین می‌کنند از این میان متغیر گرایش به ارزش‌های فرامادی با بتای ۰/۶۶ مهم‌ترین متغیری است که می‌تواند تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند. متغیرهای تحصیلات و استفاده از رسانه‌های جمعی متغیرهای دیگری هستند که در مدل رگرسیونی باقی‌مانده و افزایش معناداری بر روی ضریب تعیین داشته‌اند این متغیرها با تفکیک اثر متغیرهای دیگر به ترتیب ۰/۱۵۲ و ۰/۱۱۶ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند. متغیر جنسیت به‌عنوان یک متغیر مصنوعی تأثیر معناداری بر متغیر وابسته داشته است به این معنا که هر چقدر از طرف مردان به طرف زنان در مدل حرکت کنیم از میزان گرایش به فرهنگ دموکراتیک کاسته می‌شود.

۷. نتیجه‌گیری

این پژوهش بر اساس دو هدف عمده شکل گرفت: الف) سنجش میزان گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک در بین طبقه متوسط جدید. ب) بررسی نقش برخی از مهم‌ترین متغیرهای توسعه اقتصادی - اجتماعی در گرایش به این نوع فرهنگ. در بخش اول نتایج نشان می‌دهد که: ۱- میزان کلی گرایش به مؤلفه‌های فرهنگ مردم‌سالارانه در میان جامعه آماری این پژوهش کمی بیش از حد متوسط است. ۲- میزان گرایش به بعد عملی-رفتاری فرهنگ مردم‌سالارانه در مقایسه با سویه‌ی شناختی - هنجاری آن کمتر است. ۳- میان دو قشر مورد مطالعه (اساتید دانشگاه و دبیران) فقط در زمینه گرایش به بعد شناختی- هنجاری (تکثرگرایانه) مردم‌سالاری (و نه در زمینه گرایش به سویه عملی - رفتاری آن) تفاوت معنادار

وجود دارد که این بیانگر این نکته است که افزایش جایگاه اجتماعی و سرمایه فکری و اقتصادی در جامعه فقط ممکن است به ترویج ابعاد هنجاری فرهنگ مردم‌سالاری کمک کند و تأثیر زیادی در افزایش تمایل به سویی رفتار این فرهنگ و مشارکت عملی در سیاست ندارد. ۴- گرایش ۳۸ درصدی کل جامعه آماری به فرهنگ و ارزش‌های مردم‌سالارانه نشان از آن دارد که برخلاف انتظار نظری این پیمایش چنین فرهنگی در میان طبقه متوسط جدید ایران رواج و عمومیت چندانی ندارد.

در بخش دوم: نقش و تأثیر برخی متغیرها و عوامل مورد تأکید رویکرد توسعه (نظیر گرایش به ارزش‌های فرامادی، میزان تحصیلات و مصرف رسانه‌ای) در شکل‌گیری فرهنگ دموکراتیک تأیید گردید اما فرض‌های تحقیق درباره رابطه پایگاه اقتصادی و اجتماعی و امنیت با متغیر وابسته مخصوصاً زمانی که تأثیر سایر متغیرها کنترل گردید تأیید نشد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی حاکی از آن است که از بین عوامل تبیین‌کننده متغیر گرایش به ارزش‌های فرامادی، بیشترین مقدار از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. متغیری که از دیدگاه اینگلههارت بیشتر به‌عنوان یک متغیر واسطه در گرایش نسبت به فرهنگ دموکراتیک در نظر گرفته می‌شود؛ اما نتیجه مطالعه حاضر نشان داد فرامادی‌گرایی بیش از آن که به‌عنوان یک متغیر واسطه بین ابعاد مادی توسعه و گرایش دموکراتیک قرار گیرد می‌تواند به‌تنهایی و یا در پیوند بیشتر با ابعاد فرهنگی توسعه نظیر آموزش و مصرف رسانه‌ای در شکل‌گیری فرهنگ دموکراتیک مؤثر باشد.

نکته دیگری که از نتایج به‌دست‌آمده قابل ذکر است معناداری رابطه متغیرهای میزان تحصیلات و مصرف رسانه‌ای علی‌رغم کنترل تأثیر سایر متغیرها است. این نکته به این معنا است که ابعاد و آثار فرهنگی توسعه اقتصادی - اجتماعی تأثیر قابل توجهی در گرایش دموکراتیک افراد دارند اما ابعاد و آثار مادی و اقتصادی توسعه تنها در صورتی در شکل‌گیری فرهنگ دموکراتیک مؤثر خواهند بود که بتوانند ابعاد فرهنگی توسعه را ارتقاء دهند در غیر این صورت ارتقاء شرایط اقتصادی و مادی فی‌نفسه به معنای تحول فرهنگ سیاسی و گرایش به ارزش‌های دموکراسی نخواهد بود.

منابع

- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، چاپ دوم، تهران: کویر.
- اینگلهارت، رونالد و کریستین، ولزل (۱۳۸۹)، *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: نشر کویر.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۵)، «ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی گروه‌های حاکم»، *فصلنامه نقد و نظر*، ۷ و ۸: ۷۴-۸۵
- بوستانی، داریوش (۱۳۷۹)، «بررسی تأثیر طبقه اجتماعی بر فرهنگ سیاسی (مطالعه موردی: افراد ۲۰ سال به بالای شهر شیراز)»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
- بیات تبریزی، رضا (۱۳۸۱)، «بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر فرهنگ دموکراسی دانشجویان کارشناسی جامعه‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی»، دانشگاه شیراز.
- پاتنام، رابرت (۱۳۷۷)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.
- چیلکوت، رونالد (۱۳۹۱)، *نظریه سیاست مقایسه‌ای*، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، نشر رسا.
- دواس. دی. ای (۱۳۸۴)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.
- ساعی، علی (۱۳۸۱)، *تحلیل آماری در علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات کیان مهر
- سرمدی، زهره و حجازی، الهه (۱۳۸۹) *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، انتشارات آگاه
- سریع القلم، محمود (۱۳۷۷)، «مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی ایران، *مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی*»، ۱۳۵ و ۱۳۶: ۸۶-۹۹.
- عباسی تقی دیزج، رسول و فراستخواه، مقصود (۱۳۹۳)، «تحلیل فازی عوامل مؤثر بر توازن بین برابری آموزش عالی و توسعه اقتصادی در سطح کلان (یک رویکرد تطبیقی - کمی)»، *دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، سال سوم، شماره ۵: ۲۵-۵۰.
- کتابی، محمود؛ وحید، فریدون و قاسمی، وحید (۱۳۸۰)، *گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۲ (۲۶ و ۲۷): ۱۰۸-۷۷.
- گلچین، مسعود (۱۳۷۸)، «فرهنگ سیاسی دموکراتیک و عوامل مرتبط با آن (یک مطالعه موردی)»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، سال ۶، شماره ۶۱.
- لیپیست، سیمور مارتین (۱۳۸۳)، *دایره‌المعارف دموکراسی*، سرپرستان ترجمه فارسی: کامران فانی و فریبرز مجیدی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۸۶)، *فرهنگ سیاسی در ایران*، تهران: فرهنگ صبا.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۳)، *موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم*، ترجمه احمد شهسا، تهران: روزنه.

هانتینگتون. ساموئل (۱۳۷۰)، *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.

Almond, G. and Verba, S. (1963), *Civic culture: political attitudes and democracy in five nations*, Princeton university press.

Diamond, L. (1994), *Political culture and democracy in developing countries*, USA, Rinner publishers

Fukuyama, F. (2012), *Middle class revolution*, the wall street journal, online, wsj. Com.

Inglehart, R. (1988), "The renaissance of political culture", *The American political science review*, vol. 82, No 4, Dec 1988.

Inglehart, R. and Christian. (2009), *Political culture, mass beliefs and value change*, oxford university press.

Lipset, S. M. (1959), "Some social requisites of democracy: economic development and political legitimacy", *American political science review*, 53/1

Putnam, RD. (2002), Community – based social capital and educational performance. In: *making good citizens: education and and civil society*, new haven: Yale university press.

Tessler, M. (2002), "Islam and democracy in the Middle East: The impact of Religious orientations", *An attitudes toward democracy in four Arab countries, comparative politics*, 34: 337-354

Tessler, M. and Gao, E. (2009), *Democracy and the political culture orientations of ordinary citizens: A typology for the Arab world and beyond*, Blackwell publisher ltd.

Vanhanen, T. (2003), *Democratization: a comparative analysis of 170 countries*. london, Rutledge.

Zonis, M. (1971), *The Political Elites of Iran*, New Jersey: Princeton university press.